

جناب آقای بنیانیان

مدیرمسئول ماهنامه سوره

از مشاهده سرمقاله انتقادی که تحت عنوان "نقد سازنده" برای شماره اخیر سوره نگاشته اید مشعوف شدیم و علاقه‌مند مطالعه دقیق تا بدانیم چه دغدغه بزرگی باعث شده آن را جایگزین بیانات رهبر معظم انقلاب نمایید. البته در پایان هدف این سرمقاله را تبادل نظر با خوانندگان بیان کرده اید، اما در نهایت تعریض یا نوعی طرح گلایه یا نگرانی است از تحریریه فعلی سوره و خط مشی آنها در دیدگاه حضرتعالی. بنابراین مناسب به نظر می‌رسد که نظر ما هم درباره دیدگاه سرمقاله مطرح شود و خوانندگان در این میان به تحلیل و قضاوت بپردازند.

از شناخت وضع موجود و وضع مطلوب و سپس شناخت عوامل تأثیرگذار بر روند تغییرات مسأله و چگونگی دور یا نزدیک شدن به آن سخن گفته اید؛ به عنوان چارچوبی برای نقد. سپس از پیچیدگی نقد در جامعه امروز ایران گفته اید که از یک سو آرمان‌های اسلامی (وضع مطلوب) قرار دارد و از سوی دیگر برآمده‌های ناشی از تعامل با دنیای مدرن و جوامع سرمایه‌داری (وضع موجود). بر این اساس نتیجه گرفته اید که آسیب‌شناسی و نقد جریان نقد در جامعه متحول امروز موضوعی بحث برانگیز است که باید در مجله مورد بحث قرار گیرد. بعضی نقاط مثبت دوره جدید سوره را برشمرده اید که متواضعانه از کنار آن می‌گذریم. پس از آن به دغدغه‌های همیشگی "مسئولان" مجله اشاره کرده اید که احتراماً اشخاصی غیر از شخص جنابعالی و تحریریه را شامل می‌شود. لبّ این دغدغه‌ها که سعی کرده‌اید با کمی تفصیل بیان کنید عبارت است از آن که:

۱. دیدن نکات منفی و ندیدن نکات مثبت جو ناامیدی و یأس ایجاد می‌کند.

۲. نقد، بدون اندیشیدن به راهکار درست نیست.

۳. نقد در فضای بسته و بدون تجربه اجرایی بی‌تأثیر است و میان منتقدان و دستگاه اجرایی فاصله ایجاد می‌کند.

۴. منتقدان فوق‌الذکر یا به دستگاه اجرایی راه پیدا نمی‌کنند، یا اگر راه پیدا کنند، سرخورده شده یا جذب سیستم موجود می‌شوند.

۵. آیا موارد قبل باعث نمی‌شود اصل "آرمانگرایی" در ذهن نیروهای فکری جامعه مورد خدشه و سؤال قرار گیرد؟

با احترام اینجانب رضا زاده محمدی کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی و کارشناسی امور اداری سازمان امور مالیاتی کشور به استحضار می‌رساند تمامی دغدغه‌های جنابعالی و سایر مسؤولانی که به آنها اشاره کردید بجاست و قابل تقدیر. اما در عین حال شایسته پاره‌ای از تأملات است به شرح ذیل:

وضع موجود خانه‌ای را تصور کنید که ماشینی مقابل در آن پارک شده است، به طوری که صاحب خانه امکان خارج کردن ماشین خود را ندارد.

وضع مطلوب چه باید باشد؟ وضع مطلوب باید آن باشد که آنقدر پارکینگ و فضای پارک در این مملکت موجود داشته باشد که مجبور نشود ماشینش را مقابل منزل کسی پارک کند.

عوامل تأثیرگذار بر روند تغییرات مسأله عبارتند از آن که:

سیاست‌های کلی شهرسازی و طرح جامع شهر در شورای شهر راکد مانده و ماده ۳ بند ج بخشنامه اجرای تبصره فلان ماده بهمان شهرداری در مورد ضرورت وجود یک طبقه پارکینگ در هر ساختمان ۴ طبقه که نظام مهندسی آن را اجرا نمی‌کند و در نهایت نهاد قانونگذاری برای نظارت بر شهرداری و نظام مهندسی توأمأ و نهایتاً سیاست‌های کلی برنامه‌های اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم توسعه در مورد امور شهری، صنعتی، حمل و نقل عمومی، و تولید خودرو. مورد اخیر از آن جهت است که سیاست‌های حمایتی و سرمایه‌گذاری پر حجم‌تر تولید خودرو و تسهیلات ارزان قیمت بانکی (لیزینگ) و... همگی باعث شده رفاه شخصی به هزینه جمعی تبدیل شود. هریک از این عوامل به نحوی بر مسأله تأثیر می‌گذارد و با این وصف نوعی تحلیل سیستم‌نگر نیاز است تا همه عوامل مختلف را به همراه تأثیر آن بر مسأله توأمأ در نظر بگیرد.

با توضیحی که داده شد مشخص است که جابجا کردن ماشین از جلوی در منزل مذکور هرگز راه‌حلی ریشه‌ای برای مسأله نخواهد بود و کوته‌فکری است که تصور کنیم با این

کار مسأله حل خواهد شد. در عوض مسأله را تکثیر و ازجایی به جایی منتقل خواهد کرد.

از سوی دیگر توقعات غیرواقع‌بینانه صاحب‌خانه برای جابجا شدن ماشین ممکن است اقداماتی نابجا و افراطی را دامن بزند که باید برای این امر که خود از عدم درک صحیح ظرافت امور شهری برمی‌خیزد فکری کرد. راهکار این مشکل همانا آموزش است و آموزش که میتواند از طریق تلویزیون یا حتی توزیع جزوه‌هایی در منازل می‌تواند انجام شود.

جناب آقای بنیانیان!

نمونه‌ای از نقد واقع‌گرا با ارائه راهکار که ملاحظه نمودید نشان می‌دهد که آگاهی روش صحیح نقد در تحریریه سوره وجود دارد. اما در مورد نگرانی حضرتعالی در نحوه تعامل منتقدانی از نوعی که شرح دادید با دستگاه‌های اجرایی به استحضار می‌رساند؛ اتفاقاً هرچه تعامل اعضای تحریریه این نشریه با فضای اجرایی بیشتر شده، به مشی خود امیدوارتر شده‌اند. در واقع یأس واقعی وقتی به وجود می‌آید که انسان ایمان پیدا کند که وضع موجود قابل اصلاح نیست و امید واقعی وقتی پیدا می‌شود که بداند اتفاقاً به خوبی قابل اصلاح است. در واقع ورود به اجرا اتفاقاً روشن می‌کند که مشکل در بحران‌های ریشه‌ای نظری و وهمی نیست؛ بلکه در زیرپا گذاشتن بدیهیات پیش پا افتاده است.

مثال:

۱. سوره سر وقت چاپ نمی‌شود. وضع موجود چیست؟ وضع مطلوب کدام است؟ راهکار کدام؟

۲. سوره برای بودجه‌ای ناچیز در مضیقه است. وضع موجود چیست؟ وضع مطلوب کدام است؟ راهکار کدام؟

۳. مدیرمسئول سوره بدون در نظر گرفتن تحریریه سرمقاله می‌نویسد، و سرمقاله برگرفته از بیانات رهبر انقلاب را حذف می‌کند. وضع موجود چیست؟ وضع مطلوب کدام است؟ راهکار کدام؟

۴. مدیر انتشارات سوره به خود اجازه میدهد مصاحبه‌ای در مورد وضع توزیع کتاب را حذف کند و تحریریه سوره را به هیچ بگیرد و تحقیر کند. وضع موجود چیست؟ وضع مطلوب کدام است؟ راهکار کدام؟

۵. مدیر مزبور بر اساس حب و بغض سیاسی قسمتی از بعدالتحریر انتقادی درباره شهرداری فعلی تهران را حذف کرده، اما به قسمت مربوط به انتقاد از شهردار سابق (رئیس جمهور فعلی) اجازه چاپ می‌دهد. وضع موجود چیست؟ وضع مطلوب کدام است؟ راهکار کدام؟

۶. هنوز با کمترین خواسته‌های اداری سوره موافقت نشده است. وضع موجود چیست؟ وضع مطلوب کدام است؟ راهکار کدام؟

جناب آقای بنیانیان!

آرمانگرایی ما اتفاقاً بسیار محسوس، ملموس، جزئی و اجرایی است. از این مسأله مطمئن هستیم، چرا که اگر کلی و دست‌نیافتنی و موهوم بود، با آرامش و آسایش بسیار بیشتری کار می‌کردیم. می‌توانستیم به سنت و مدرنیته بپردازیم، و به دیروز و پریروز و فردا و پس‌فردای تاریخ‌بیندیشیم یا تاریخ فلسفه غرب را بشناسانیم و با تبیین انگاره‌ها و آموزه‌ها و پیش‌افرض‌ها فاضل‌تر و معتدل‌تر جلوه کنیم. کار ما اندکی مشکل‌تر، اعصاب‌خردکن‌تر و ناهنجارتر است چراکه در حوزه فرهنگ در جایگاه آن صاحب‌خانه هستیم و عقیده داریم که راهکار و راهبرد و استراتژی همانا برداشتن ماشین از جلوی در است. از لحن نوشته در بعضی جاها پوزش می‌طلبیم، اما بر مقصود اصلی نوشته که امیدوارم تبیین شده باشد تأکید می‌نمایم.

با احترام

رضا زاده‌محمدی

عضو تحریریه ماهنامه سوره